



معادلیابی برای واژه‌های غیرساده روسی

محسن شجاعی*

استادیار گروه زبان روسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی،
تهران، ایران
Email: m_iau-tnb.ac.ir



چکیده

در ترجمه واژه‌های غیرساده روسی، دقت در اجزای سازنده ضروری است. اما در کلاس‌های ترجمه، در برخی ترجمه‌های منتشرشده از زبان روسی، در فرهنگ‌های دوزبان روسی به فارسی و فارسی به روسی و یا در ترجمه اصطلاحات تخصصی، بیشتر به همین مرحله بسنده می‌شود. بدین معنی که فقط تقطیع تکواژی واژه غیرساده، یافتن برابر برای هر جزء آن در زبان مقصد و ترکیب این اجزاء، تنها روش درست در ترجمه این گونه واژه‌ها معرفی می‌شود. روش یادشده در اینجا «رویکرد تکواژشناختی محض» نامیده شده است. در این پژوهش، نخست واژه‌های غیرساده در زبان روسی معرفی شده و برپایه نظرات دست‌نویسان مطرح روس، این واژه‌ها به سه گروه مشتق، مرکب و مرکب ترکیبی تقسیم می‌شوند. سپس با آوردن مثال برای واژه‌های هر دسته (که برپایه منابع معتبر روسی تقطیع تکواژی شده‌اند) و معادل ارتباطی آن‌ها در زبان فارسی تلاش شده، تا ناکارایی رویکرد تکواژشناختی محض در ترجمه این گونه واژه‌ها نشان داده شود. روش‌های جایگزین روش مورد بحث نیز معرفی می‌شود. فهرستی از واژه‌های غیرساده‌ی روسی همراه با ترجمه‌های تکواژشناختی و ارتباطی آن‌ها در پایان می‌آید.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲
تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۹
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

زبان روسی، واژه‌های
غیرساده، ترجمه‌ی واژه‌های
غیرساده، ترجمه
تکواژشناختی، ترجمه
اصطلاحات تخصصی

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2019.288358.672 کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

شجاعی، محسن (۱۳۹۹). معادلیابی برای واژه‌های غیرساده روسی. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰) ۲، ۳۴۸-۳۶۱.

Shojaei, Mohsen (2020). Equivalence for Russian Non-Simple Words. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 348-361.
DOI: 10.22059/jflr.2019.288358.672

* حوزه‌های پژوهشی مورد علاقه: آموزش زبان روسی، مطالعات ترجمه، فرهنگ‌نویسی و مطالعات ایران‌شناسی.



Equivalence for Russian Non-Simple Words



Mohsen Shojaei*

Assistant professor and faculty member at Islamic Azad University, Tehran North Branch, Tehran, Iran

Email: m_iau-tnb.ac.ir

ABSTRACT

In translating of non-simple Russian words it is, of course, important to pay attention to the parts of each word. But what is observed in translation courses, in some of the published translations from Russian, in Russian to Persian and Persian to Russian dictionaries or in translating of specialized terminology, is a kind of pure morphological approach. It means that in such cases main attention is paid to morphological segmentation, finding equivalent for each segment (morpheme) and then summarizing the meanings of them is introduced as the only correct method for translating such words. In the article at first non-simple Russian words are introduced and on the basis of the opinions of more famous Russian grammarians these words have been divided into derived, complex and compound complex groups. Then by giving examples for the words of each group along with their communicative meanings in Persian we tried to show that the pure morphological approach in translating of such words is not effective.

DOI: 10.22059/jflr.2019.288358.672

© 2020 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received:
3rd, August, 2019

Accepted:
23rd, November, 2019

Available online:
Summer 2020

Keywords:

Russian language, non-simple words, translation of non-simple words, morphological translation, translation of specialized terminology

Shojaei, Mohsen (2020). Equivalence for Russian Non-Simple Words. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (2), 348-361.

DOI: 10.22059/jflr.2019.288358.672

۱. مقدمه

هرچند پیش از این در زمینه روش‌های معادل‌یابی و نظریات مربوط به آن بررسی‌های چندی از دیدگاه‌های گوناگون انجام شده است (نک. برای نمونه: یاکوبسون، ۱۹۷۸؛ کامیساروف، ۲۰۰۲: ۱۱۶-۱۳۴؛ ولی‌پور، ۱۳۸۲؛ منصوری، ۱۳۸۶)، با این وصف، نگارنده منبعی که در آن صرفاً به معادل‌یابی تکواژشناختی پرداخته شده باشد، نیافته است. اما در مقابل، بسیاری از صاحب‌نظران ترجمه، تمرکز بر ویژگی‌های ساخت‌واژی و نادیده‌گرفتن معنای ارتباطی واژه‌ها را نادرست دانسته و نسبت به آن هشدار داده‌اند (نک. به‌عنوان نمونه: بارخوداروف، ۱۹۶۹: ۵؛ نی‌لیوبین، ۲۰۰۳؛ مدخل «поморфемный перевод آلکسی‌یوا، ۲۰۱۲»: ۱۵۹). در ادامه تلاش شده تا ناکارایی رویکرد تکواژشناختی محض، در ترجمه این‌گونه واژه‌ها نشان داده شود.

پژوهش حاضر از دیدگاه نظری در چارچوب گستره واژه‌سازی زبان روسی، بویژه برپایه روش استقرائی و با استناد به دستوره‌های معتبر زبان روسی انجام شده است. نمونه‌های مورد استناد در طول چندین سال از واژه‌های مورد استفاده در محیط روسیه، متون گوناگون آموزشی و غیرآموزشی زبان روسی و فیلم‌ها و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی گردآوری شده است.

بحث و بررسی

رویکرد تکواژشناختی محض

یکی از کارترین روش‌های آموزش واژگان جلب توجه زبان‌آموزان به اجزاء، یا به اصطلاح فنی، تکواژهای (морфемы) سازنده یک‌واژه و ویژگی‌های واژه‌ساختی آن است. فراگیری الگوهای زیای واژه‌سازی، یا همان بررسی تکواژهای سازنده واژه‌ها، از روش‌های آسان‌سازی و سرعت-بخشی به یادگیری واژه‌های تازه به‌شمار می‌آید (لیساکووا، ۲۰۰۴: ۱۴۰). حتی تعیین جایگاه واژه در خوشه واژه‌ساختی آن (словообразовательное гнездо) در روند

یادگیری واژه مهم دانسته شده (کوچنیوا، مارکوفکین، ۲۰۰۳: ۳۴) و فعالیت ناکافی در زمینه واژه‌سازی که به‌زبان‌آموزان در یادسپاری واژه‌ها کمک می‌کند، از کاستی‌های آموزش واژگان به‌شمار آمده است (آکیشینا، کاگان، ۲۰۰۵: ۱۴۹). پس در مرحله آموزش پایه یا مقدماتی توجه به اجزای واژه، روشی پسندیده و رایج است.

اما باید دید آیا در ترجمه و برابریابی نیز می‌بایست به همین شیوه عمل کرد؟ به‌نظر ما در ترجمه واژه‌های غیرساده روسی نیز دقت در اجزای سازنده ضروری است. اما دیده می‌شود که در کلاس‌های ترجمه، در برخی ترجمه‌های منتشرشده از زبان روسی، در فرهنگ‌های دوزبانه روسی-فارسی و فارسی-به‌روسی و یا در ترجمه اصطلاحات تخصصی، فزونتر به‌همین مرحله بسنده شده است. این مرحله یا روش در هنگام ترجمه عبارت است از صرفاً تقطیع تکواژی واژه غیرساده، سپس یافتن برابر برای هر جزء یا هر تکواژ آن در زبان مقصد و ترکیب این برابرها با یکدیگر. روش یادشده که تنها روش درست در ترجمه این‌گونه واژه‌ها معرفی می‌شود، در اینجا «رویکرد تکواژشناختی محض» نامیده شده است. علت استفاده از اصطلاح «رویکرد» (ПОДХОД) در اینجا نیز آن است که به‌کارگیری این روش ناشی از یک نگاه کلی ساخت‌گرایانه و نه کاربردی و مهارتی به‌زبان است که یکی از پیامدهای آن، استفاده از روش مورد بحث ما در ترجمه واژه‌های غیرساده روسی است.

شناخت و تقسیم‌بندی واژه‌های غیرساده در زبان

روسی

در بیشتر کتاب‌های دستور زبان روسی اشاره صریحی به انواع واژه نشده است، بلکه به یکباره به ساختمان واژه و سازه‌های آن پرداخته می‌شود. یکی از معدود منابعی که در آن واژه‌ها (و نه پایه‌ها، آن‌گونه که در ادامه خواهد آمد) از نظر ساختمان، تقسیم‌بندی شده‌اند، دستور زبان روسی ادبی/امروز به‌ویراستاری پاول آلکساندروویچ لکانت (Павел Александрович Лекант)، دستورنویس برجسته روس است (لکانت، ۲۰۰۱). هرچند به‌صورت پراکنده در کتاب‌های

۱. منظور از «معنای ارتباطی واژه» معنایی است که می‌تواند با جمع معنای اجزای واژه متفاوت بوده و ناظر بر موارد کاربرد واژه به هنگام ارتباط باشد. در این باره نک. (روداکووا، استرنین، ۲۰۱۷).

دستور زبان روسی به «واژه‌های مرکب» (پولکینا، زاخاوا - نکراسووا، ۱۹۶۸: ۱۳)، (روزنتال، گولوب، تلنکووا، ۲۰۰۵: ۱۶۴)، (والگینا، روزنتال، فامینا، ۲۰۰۶: ۱۲۶)، «واژه مشتق» (کاساتکین، ۲۰۰۵: ۴۶۲)، «واژه‌های ساده» (رتسکر، ۲۰۱۰: ۱۴) اشاره می‌شود، اما در منبع پیش گفته، واژه‌ها از دیدگاه ساختشان به صراحت به دو دسته غیرمشتق (непроизводное) (که تنها از ریشه و یا از ریشه و پایانه ساخته می‌شوند) و مشتق (производное) (که در آن‌ها به جز ریشه، تکواژهای دیگر، یعنی وند نیز وجود دارد) تقسیم شده‌اند (لکانت، ۲۰۰۱: ۱۰).

نمودار ۱: انواع واژه از دیدگاه لکانت (لکانت، ۲۰۰۱: ۱۰)



در منبع دیگری که به سرویراستاری لئانید کاساتکین (Леонид Касаткин) برای دانشگاه‌ها نوشته شده، واژه‌ها از دیدگاه صورتشان تنها به دو گروه «واژه‌های تقطیع پذیر» (членимые) و «تقطیع ناپذیر» (нечленимые) تقسیم شده‌اند (کاساتکین، ۲۰۰۵: ۴۵۴).

نمودار ۲: انواع واژه بر پایه (کاساتکین، ۲۰۰۵: ۴۵۴)



همچنین در دستوری که از سوی انستیتوی زبان روسی فرهنگستان علوم شوروی و به‌ویراستاری ناتالیا شودووا

(Владимир Лопатин) و (Наталья Шведова) و ولادیمیر لاپاتین (Лопатин) منتشر شده است، پایه‌ها^۲ (و نه واژه‌ها)، بسته به آن که چند ریشه در ساخت آن‌ها به کار رفته باشد، به دو گروه پایه‌های ساده (دارای یک ریشه) و پایه‌های مرکب (دارای دو و به‌ندرت سه ریشه) تقسیم شده‌اند؛ اما از معرفی و تقسیم انواع واژه سخنی به‌میان نیامده است (شودووا، لاپاتین، ۱۹۹۰: ۲۳). پس، از آنجا که بحث ما با واژه مرتبط است، ناگزیر از آنیم که نشان دهیم در زبان روسی چه واژه‌هایی را می‌توان غیرساده دانست و انواع آن‌ها کدامند.

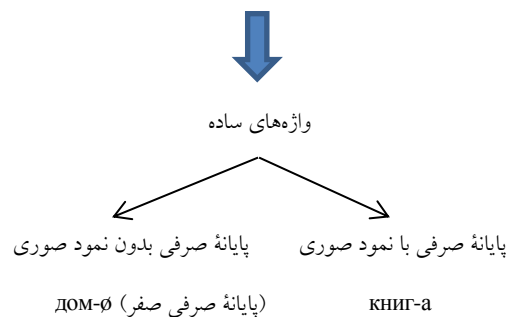
در زبان روسی که زبانی با گرایش بسیار برجسته ترکیبی (синтетический) است، واژه‌سازی بیشتر از راه پیوند تکواژهای گوناگون صورت می‌پذیرد. هر واژه از یک‌ریشه ساخته می‌شود که می‌تواند پیشوند یا پسوندهایی نیز داشته باشد. ریشه‌ای که بدون هیچ‌و ندی به کار می‌رود و نیز مجموع یک‌ریشه با پیشوند و پسوندهای آن را پایه (основа) می‌نامند. همچنین مجموع پایه و وند صرفی آن واژه (слово) نامیده می‌شود. پولکینا و زاخاوا - نکراسووا در دستور آموزشی خود پایه‌هایی را که تنها از ریشه ساخته شده باشند، پایه نامشتق (непроизводные основы) می‌نامند، مانند дом (خانه)، двор (حیاط)، стол (میز). ما می‌توانیم این‌گونه پایه‌ها را واژه ساده بنامیم. زیرا آن‌ها در واقع واژه‌هایی‌اند که تنها از ریشه ساخته شده‌اند، بدون پیشوند و پسوند و با پایانه صرفی صفر (нулевое окончание). در کتاب یادشده پس از این بخش واژه‌هایی که در آن‌ها پیشوند یا پسوند وجود داشته باشد، «پایه‌های مشتق» (производные основы) نامیده شده‌اند؛ مانند: пере- (خانه) дом-ик= домик (پرواز)، лёт= перелёт (کوچک)، двор-ник= дворник (رفتگر). نویسندگان در ادامه می‌افزایند که برخی واژه‌ها ممکن است بیش از یک‌ریشه داشته باشند، مانند واژه пароход (کشتی بخار) که از دو ریشه пар (بخار) و ход (حرکت) ساخته شده است. واژه‌های گروه آخر واژه‌های مرکب (сложные слова) نامیده شده‌اند (پولکینا، زاخاوا - نکراسووا، ۱۹۶۸: ۱۳)^۳.

دیگر دستورنویسان روس نیز کمابیش همین دسته‌بندی

^۲ مفهوم «پایه» (основа) در زبان روسی در بند بعدی آمده است.
^۳ واژه «o» که میان دو ریشه‌ی سازنده این واژه دیده می‌شود، در دستور زبان روسی «میان‌وند» (интерфикс) یا «واژه میانجی» (соединительная гласная) نامیده شده است (نک. والگینا، روزنتال، فامینا، ۲۰۰۶: ۱۲۶).

را ارائه کرده‌اند (نک. به‌عنوان نمونه روزنتال، گولوب، تلنکووا، ۲۰۰۵: ۱۶۳؛ والگینا، روزنتال، فامینا، ۲۰۰۶: ۱۳۶ - ۱۳۷؛ لکانت، ۲۰۰۷: ۲۱۰-۲۱۲). برپایه این دسته‌بندی در زبان روسی، می‌توانیم واژه‌های ساده را واژه‌هایی بدانیم که تنها از ریشه ساخته‌شده‌اند و پایانه صرفی در آن‌ها یا دارای نمود صوری (формальное появление) است، مانند книга (کتاب) که در آن -а پایانه صرفی است (تیخونوف، ۱۹۸۵: ۴۴۴)، و یا آن که مانند سه‌مثال نخست این نوشته پایانه صرفی در آن‌ها به‌شکل تکواژ صفر (нулевая морфема) نمود یافته است.

نمودار ۳: واژه‌هایی که تنها از ریشه ساخته‌شده‌اند



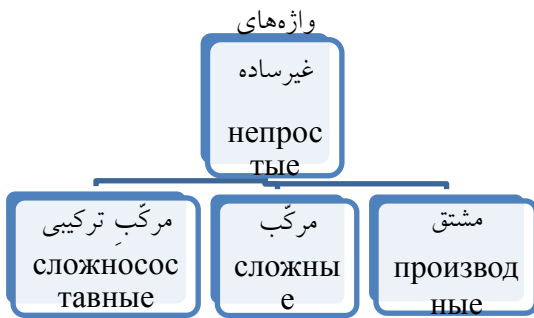
باز برپایه همان دسته‌بندی بالا درمی‌یابیم که واژه‌های غیرساده یا مشتق‌اند یا مرکب (که تعریف هر یک در بالا آمد). البته برای ساخت واژه‌های دو گروه یادشده، روش‌های گوناگونی به‌کار می‌رود که موضوع بحث ما نیستند. اما یکی از این روش‌ها مربوط به‌نوع خاصی از واژه‌های مرکب است که در نمونه‌های گردآوری‌شده ما نیز وجود دارد. مطابق این روش که در دستورهای زبان روسی آن را «روش ترکیب مرکب» (сложносоставной способ) می‌نامند (مثلاً، نک. لکانت، ۲۰۰۷: ۲۱۷)، معمولاً دو واژه به‌گونه کامل و همراه با پایانه‌های صرفی خود به‌یکدیگر می‌پیوندند و یک اسم ترکیبی (составное существительное) می‌سازند، مانند ракета-носитель (موشک باربر).

با جمع‌بندی مطالب بالا، می‌توانیم بگوییم: واژه‌های غیرساده در زبان روسی به‌سه‌دسته مشتق، مرکب و مرکب

۴. در این مقاله برای تقطیع تکواژی در بیشتر موارد از فرهنگ *واژه‌سازی زبان روسی* (تیخونوف، ۱۹۸۵)، فرهنگ *تکواژی-املائی* (تیخونوف، ۱۹۹۶) و فرهنگ جدید *واژه‌سازی زبان روسی* (تیخونوف، ۲۰۱۴) استفاده شده است. تقطیع تکواژی معهود واژه‌هایی را که در هیچ یک از این سه منبع یافت نشدند، نگارنده برپایه روش این منابع انجام داده است.

ترکیبی تقسیم می‌شوند.

نمودار ۴: دسته‌بندی نهایی انواع واژه‌های غیرساده



نمونه‌هایی از واژه‌های غیرساده روسی

اکنون که دانستیم منظور از واژه‌های غیرساده چه

واژه‌هایی‌اند، می‌توانیم نمونه‌هایی از هر یک از سه نوع آن‌ها را نشان دهیم.

الف) واژه‌های غیرساده‌ی مشتق (ریشه با حروف سیاه مشخص شده است):^۴

дозаправщик (до-заправ-щик)
кузовщик (кузов-щик)
подзаконный (под-закон-ный)

ب) واژه‌های غیرساده مرکب:

волнорез (волн-о-рез)
железобетон (желез-о-бетон)
противопехотный (против-о-пехот-ный)

پ) واژه‌های غیرساده مرکب ترکیبی:

платье-костюм (платье+++костюм)
стоп-кран (стоп+++кран)
шкаф-купе (шкаф+++купе)

تحلیل ترجمه نمونه‌های بالا

هرچند ممکن است معنای شماری از این واژه‌های ساده را از پیش بدانیم، اما این نکته نباید مانع از بررسی ما شود: این که ببینیم چنانچه با رویکرد صرفاً تکواژشناختی به ترجمه این واژه‌ها می‌پرداختیم، آیا به معنای درست می‌رسیدیم یا نه، یا آن‌گونه که در برخی کتاب‌های آموزشی آمده، آیا با مراجعه به «انگیزش درونی واژه‌ها»^۵ (внутренняя мотивация)

۵. منظور از «انگیزش درونی واژه» آن ویژگی برخی واژه‌ها است که برپایه آن می‌توان معنای واژه را از روی معنای نخستین یا از روی معنای اجزای سازنده آن به دست آورد (نک. دیبرووا، ۲۰۰۱: ۲۰۴؛ لکانت، ۲۰۰۱: ۱۰؛ لکانت، ۲۰۰۷: ۱۶).

معنای این واژه‌ها قابل درک‌اند، یا نه.

آنچه در اینجا بدان خواهیم پرداخت، نشان‌دادن این واقعیت است که چنانچه بدون توجه به مصداق هر یک از این واژه‌ها و به‌شیوه رایج در برخی کلاس‌های ترجمه یا ترجمه‌ها و کتاب‌های آموزشی منتشر شده صرفاً با مراجعه به تکواژهای سازنده آن‌ها این واژه‌ها را ترجمه کنیم، هیچگاه به معنا و برابر درست آن‌ها در زبان فارسی نخواهیم رسید. در جدول شماره (۱) واژه‌های غیرساده پیش‌گفته را تقطیع کرده، معنای هر بخش و نیز معنای کلی به‌دست‌آمده با رویکرد تکواژشناختی را نشان می‌دهیم.^۶

جدول شماره‌ی (۱)

| واژه غیرساده | نوع واژه | ریشه (ها) و معنای آن (ها) | وند (ها) و معنای آن (ها) | ترجمه با رویکرد تکواژشناختی |
|-----------------|-------------|---|--|------------------------------|
| Дозаправщик | مشق | = -заправ- سوخت | (۱) до- = تا، به (۲) -щик ساخت اسم با معنای صاحب شغل | سوخت‌رسان |
| Кузовщик | مشق | = кузов = اتاق، بدنه (خودرو) | = -щик اسم با معنای صاحب شغل | اتاق‌ساز، بدنه-کار، بدنه‌ساز |
| Подзаконный | مشق | = закон = قانون | (۱) под- = زیر، فرعی، پیرو (۲) -н- = پسوند صفت‌ساز (۳) -ый = پایانه‌ی صرفی صفت | قانون فرعی |
| Волнорез | مرکب | (۱) волн- = موج (۲) -рез- = بریدن | -о- = میان‌وند (واکه‌ی میانجی) | موج‌زبر |
| железобетон | مرکب | (۱) желез- = آهن (۲) = бетон بتون | -о- = میان‌وند (واکه‌ی میانجی) | بتون آهنی |
| Противопехотный | مرکب | (۱) против = برخلاف، ضد (۲) = пехот- پیاده‌نظام (۳) -ый = پایانه‌ی صرفی صفت | (۱) -о- = میان‌وند (واکه‌ی میانجی) (۲) -н- = پسوند صفت‌ساز (۳) -ый = پایانه‌ی صرفی صفت | ضد پیاده‌نظام |
| платье-костюм | مرکب ترکیبی | (۱) платье = لباس | - | لباس کت و شلوار، لباس |

^۶ در ترجمه‌ی واژه‌ها و دیگر بخش‌های این جدول از فرهنگ روسی به فارسی و *اسکانیان* (واسکانیان، ۱۳۹۱) و وبگاه زیر استفاده شده است:

| | | | | |
|---------------------------|---|--|----------------|-----------|
| کت و دامن | | (۲) = костюм کت و شلوار، کت و دامن | | |
| شیر ایست! جرتقیل ایست! | - | (۱) = стоп ایست! (۲) = кран شیر (آب)؛ جرتقیل | مرکب ترکیبی | стоп-кран |
| کمد کوبه‌ی قطار | - | (۱) = шкаф کمد (۲) = купе کوبه (قطار) | مرکب ترکیبی | шкаф-купе |

ببینیم آیا می‌توان برابری‌های ارائه‌شده در جدول (۱) را به دلیل همخوانی‌شان با ساخت واژه‌های روسی و نیز به‌دلیل تناظر معنایی یک‌به‌یک با آن‌ها برابری‌های پذیرفتنی به‌شمار آورد؟

پیش از پرداختن به واژه‌های جدول (۱) باید به این نکته اشاره کرد که حتا در خود زبان روسی نیز واژه‌های غیرساده‌ی وجود دارند که معنای آن‌ها را نمی‌توان با جمع زدن معنای تک تک تکواژهای سازنده‌ی آن‌ها به‌دست آورد. مانند فعل *опростоволоситься* که اگر در معنا کردن آن تنها به تکواژهای سازنده‌اش بسنده کنیم *-о-прост-о-волос-и-ТЬ-ся*، به معنای «بی‌حجاب شدن» خواهیم رسید که معنای اولیه و تاریخی این واژه است و نه معنای امروزی آن. توضیح آن که این واژه در آغاز، خاص محیط‌های روستایی بوده که در آن‌ها برداشتن روسری از سر در بیرون از خانه برای زنان ناپسند به‌شمار می‌آمده است. اما سپس با از دست دادن معنای نخستین خود، اکنون دیگر به معنای کار بسیار نادرستی انجام دادن، یا مرتکب خطای فاحش شدن، به‌کار می‌رود.^۷ این پدیده البته خاص زبان روسی نیست: آیا از روی تکواژهای سازنده‌ی واژه فارسی «سرقفلی» (سر - قفل - ی) می‌توانیم به معنای آن برسیم؟ پاسخ حتماً منفی است.

مثال‌های سراسرتر را در *(بی‌یلاشاپکوا، ۱۹۸۹)* می‌یابیم. این مثال‌ها واژه‌های *ПОЛКОВНИК* (به معنای «سرهنگ» و ساخته‌شده از پایه *ПОЛК*- به معنای «هنگ») و *кашевар* (به معنای «آشپز نظامی» و ساخته‌شده از پایه‌های *каш-* به معنای غذایی نزدیک به شیربرنج و *-вар* به معنی پزنده)

^۷ برای آگاهی از دگرگونی معنایی این واژه نک:

هستند. بی‌یلاشاپکوکوا که از بزرگ‌ترین دستورنویسان روس است، به‌درستی اشاره می‌کند که نه ПОЛКОВНИК (سرهنگ) تنها به‌معنای کسی است که یک «هنگ» را فرماندهی می‌کند و نه кашевар (شیربرنج‌پز) کسی است که فقط «شیربرنج» می‌پزد (بی‌یلاشاپکوکوا، ۱۹۸۹: ۲۴۲). این استدلال درباره واژه فارسی «آشپز» نیز دقیقاً صدق می‌کند: آیا «آشپز» یعنی کسی که تنها «آش» می‌پزد؟

در ادامه (صفحات ۲۴۳-۲۴۴) بی‌یلاشاپکوکوا گروه دیگری از واژه‌های مشتق را بازمی‌شناساند که هرچند معنای تک‌تک تکواژهای سازنده آن‌ها در ساخت معنای کلی واژه حضور دارند، اما جدا از آن یک جزء معنایی دیگر نیز در معنای واژه وجود دارد که در ساخت صوری آن واژه دارای نمود نیست. او برای نمونه واژه‌های носильщик (باربر)، БЕЛОК (سفیده تخم مرغ) و синяк (کبودی، خون‌مردگی) را مثال می‌آورد. واژه اول به‌رغم ساخت خود (که نشان‌دهنده معنای «حمل‌کننده» است) به‌هیچ‌رو به‌معنای کسی نیست که هرچیزی را حمل می‌کند، بلکه در زبان روسی تنها برای نامیدن افرادی که شغل آن‌ها حمل بار مسافران در ایستگاه‌های قطار (یا مترو و فرودگاه‌ها) است به‌کار می‌رود؛ واژه دوم (که به‌معنای «چیزی به‌رنگ سفید» است) نشان‌دهنده هر چیز سفیدرنگ نیست، بلکه تنها بر سفیده تخم مرغ دلالت دارد؛ و واژه سوم نیز (که به‌معنای «چیزی به‌رنگ کبود یا سرمه‌ای» است) برای نامیدن هر چیز کبودرنگ به‌کار نمی‌رود، بلکه تنها برای نامیدن لکه‌ای که از خون‌مردگی زیر پوست ایجاد شده، به‌کار می‌رود.

در سه مثال بالا، میان معنای کلی واژه و معنای تکواژهای سازنده آن تناقضی وجود ندارد، بلکه همان‌گونه که نشان داده شد، جدا از مجموع معنای پایه/ پایه‌ها و تکواژهای افزوده‌شده به آن‌ها، جزء معنایی دیگری در واژه وجود دارد که در ساخت آن واژه نماینده صوری ندارد. حال اگر بخواهیم تنها با تکیه بر تکواژهای این واژه‌ها، آن‌ها را ترجمه کنیم، خواه‌ناخواه آن جزء معنایی پوشیده در آن‌ها نادیده گرفته خواهد شد. این مثال‌ها دلائل استوار دیگری بر نادرستی رویکرد صرفاً تکواژشناختی در ترجمه واژه‌های

غیرساده‌ی روسی‌اند.

در صفحه ۲۴۱ همین منبع نیز مقایسه جالبی میان دو واژه нож и ножовка انجام شده است: با وجود آن که در نخستین نگاه، روشن می‌شود که واژه اول در دومین واژه حضور دارد، اما اولی به‌معنای «چاقو» و دومی، برخلاف انتظار، نه به‌معنای نوع خاصی از چاقو، بلکه به‌معنای «اره» است. یعنی واژه نخست را، به‌رغم حضور کامل آن در واژه دوم، نمی‌توان یکی از اجزای سازنده معنا در واژه دوم به‌شمار آورد.

با درنظر داشتن مطالب بالا، اینک ترجمه‌های ارتباطی واژه‌های جدول (۱) را نشان می‌دهیم.

- واژه дозправщик که در ترجمه تکواژشناختی به «سوخت‌رسان» ترجمه شده، به‌معنای «هوایم‌ای سوخت‌رسان» است؛
- КУЗОВЩИК که در ترجمه تکواژشناختی به «اتاق‌ساز»، «بدنه‌کار» و «بدنه‌ساز» ترجمه می‌شود، به معنای «صافکار» است؛
- ПОДЗАКОННЫЙ که در ترجمه تکواژشناختی به «قانون فرعی» ترجمه می‌شود، به‌معنای «آئین‌نامه‌ی داخلی» است؛
- ВОЛНОРЕЗ که در ترجمه تکواژشناختی به «موج-بُر» ترجمه می‌شود، به‌معنای «موج‌شکن» است؛
- ЖЕЛЕЗОБЕТОН که در ترجمه تکواژشناختی به «بتن آهنی» ترجمه می‌شود، به‌معنای «بتن مسلح» است؛
- ПРОТИВОПЕХОТНЫЙ که در ترجمه تکواژشناختی به «ضد پیاده‌نظام» ترجمه می‌شود، به‌معنای «ضد نفر» است؛
- ПЛАТЬЕ-КОСТЮМ که در ترجمه تکواژشناختی به «لباس کت و شلوار» یا «لباس کت و دامن» ترجمه می‌شود، تنها به‌معنای «کت‌دامن» است؛
- СТОП-КРАН که در ترجمه تکواژشناختی به «شیر ایست» یا «جرتقیل ایست» ترجمه می‌شود، به معنای «دستگیره‌ی ترمز خطر» (در قطار) است؛

۸. مثلاً نک. همین مدخل در ویرایش پیشین فرهنگ روسی به فارسی واسکانیان (واسکانیان، ۱۹۸۶).

• **шкаф-купе** که در ترجمه تکواژشناختی به «کمد کوبه‌ی قطار» ترجمه می‌شود، به معنای «کمد درکشویی» است.

شاید بهترین راه برای جلوگیری از گمراهی در ترجمه این دست واژه‌ها جست‌وجوی واژه مورد نظر در اینترنت با فعال کردن گزینه «عکس‌ها» (images, рисунки) باشد. آنگاه می‌توان دید که مثلاً در مورد استفاده از واژه **купе** (کوپه) برای نامیدن نوعی از کمد با درهای کشویی از راه تشبیه درهای آن به در کوبه‌ی قطار فرایند «انتقال کارکردی» (функциональный перенос) روی داده است.^۹ البته این که مترجم احساس کند برای ترجمه واژه‌ای نیاز به جست‌وجوی بیشتر دارد، خود نیازمند آن است که از پیش نسبت به درستی ترجمه تکواژشناختی صرف تردید داشته باشد. از اهداف این نوشته نیز ایجاد همین حس تردید در ترجمه این گونه واژه‌ها و نیز ایجاد حس نیاز به جست‌وجوی بیشتر برای یافتن معنای ارتباطی واژه‌ها است. اگر این حس تردید و نیاز به جست‌وجوی بیشتر در مترجم یا مدرس ترجمه ایجاد شد، آنگاه درمی‌یابد که برای یافتن معنای ارتباطی، همیشه نمی‌توان از تصویر کمک گرفت، مثلاً برای یافتن معنای ارتباطی واژه **подзаконник** (آیین‌نامه داخلی) کدام تصویر می‌تواند به مترجم کمک کند؟ ابزاری که در اینجا به مترجم / مدرس ترجمه یاری خواهد رساند البته فرهنگ‌های یک‌زبان روزآمد است.

این که ما فرهنگ‌های یک‌زبان را ابزار مناسبی برای دریافت معنای ارتباطی واژه‌های غیرساده معرفی کردیم، به آن دلیل است که در فرهنگ‌های روسی به فارسی و فارسی به روسی موجود از روش ترجمه تکواژشناختی کم استفاده نشده است، روشی که نتیجه آن نیز گاه بسیار گمراه‌کننده بوده است. به عنوان نمونه در ویرایش پیشین فرهنگ روسی به فارسی واسکانیان (واسکانیان، ۱۹۸۶) واژه **пешеход** (به معنای: رهگذر، عابر پیاده) به دلیل دارا بودن دو ریشه **пеш-**

(به معنای: پیاده) و **ход-** (به معنای: راه رفتن) به «پیاده‌رو» ترجمه شده است. در نگاه نخست کار این فرهنگ‌نویس درست به نظر می‌رسد، زیرا در قیاس با ساخت‌هایی مانند «تندرو» = کسی که تند راه می‌رود، «پیشرو» = کسی که در پیش (جلو) راه می‌رود و مانند آن‌ها، این واژه نیز به معنای کسی گرفته شده که «پیاده راه می‌رود»، غافل از آن که «پیاده-رو» در زبان فارسی معنایی یکسر متفاوت با معنای ساخت-های همانند خود یافته است. در فرهنگ فارسی به روسی روبینچیک (روبینچیک، ۱۹۸۵) نیز همین خطا دیده می‌شود: در مدخل «پیاده‌رو» واژه **пешеход** هم به عنوان یکی از برابرها آمده است.

نکته دیگری که در برخی منابع به آن اشاره شده، امکان تکیه بر صورت درونی (внутренняя форма) یا انگیزش درونی واژه (نک. بالاتر) برای فهم معنای آن است. به عنوان نمونه بی‌یلاشاپکوا معتقد است که تفاوت واژه‌های مشتق و نامشتق در شیوه بیان معنا در آن‌هاست، بدین صورت که واژه‌های نامشتق انگیزه (мотивированный) نیستند و دال‌های قراردادی (условные обозначения) واقعیت‌اند.^{۱۰} حال آن که معنای واژه مشتق همواره با ارجاع به معنای پایه آن تعیین می‌شود. سپس نقل قولی از گریگوری ویناکور (Григорий Винокур)، دیگر دست‌ورنویس بزرگ روس، آورده می‌شود که دقیقاً این گونه تعیین معنای واژه‌های مشتق و «نه توصیف مستقیم مدلول مربوطه در عالم واقع را وظیفه اصلی زبان‌شناسی در بررسی معناها و واژه‌ها» دانسته است (بی‌یلاشاپکوا، ۱۹۸۹: ۲۴۰). این توصیف شاید در زبان روسی که در آن دلالت میان واژه (دال) و مدلول آن برای اهل زبان روشن‌تر است، درست باشد، اما هنگامی که در ترجمه از روسی به فارسی می‌خواهیم برای واژه روسی برابر بیابیم، رابطه میان دال و مدلول که تنها در زبان روسی رابطه‌ای روشن بوده، دیگر کمک‌کننده نخواهد بود. زیرا اهل هر زبان از نگاه خود به جهان می‌نگرند که «تصویر زبانی جهان» نامیده شده است (ولی‌پور، شریفی، ۱۳۹۸: ۲۵۶-۲۵۷).

ساده است، «انگیخته» نیست، یعنی نمی‌توان از روی ظاهر آن پی به معنای آن برد. واژه‌های مانند «فقل» در زبان‌شناسی «دال قراردادی» نامیده می‌شوند. نک. مدخل **мотивированное слово** در (روزنتال، تلنکووا، ۱۹۷۶).

^۹ برای آگاهی بیشتر از این فرایند و مشاهده‌ی نمونه‌های آن در زبان فارسی، نک. (روبینچیک، ۱۳۹۷: ۲۰۷).

^{۱۰} منظور از «انگیخته» بودن معنا آن است که با مراجعه به ظاهر واژه بتوان به معنای آن پی برد، مانند واژه «فقل‌ساز» که از ظاهر آن می‌توان پی به معنای آن برد. اما خود واژه‌ی «فقل» که مشتق نبوده و یک واژه

۲۵۷). مثالی که بی‌یلاشاپکوکوا می‌آورد، واژه ВОЛК به معنای «گرگ» است؛ سپس دو مشتق این واژه را برمی‌شمارد که ВОЛЧОНОК (توله‌گرگ) و ВОЛЧИЦА (ماده‌گرگ) اند و می‌افزاید که معنای این دو مشتق با رجوع به معنای بخش‌های سازنده آن‌ها روشن می‌شود: پایه ВОЛК- و پسوندهای -ОНОК و -ИЦ(А) (همانجا). اما همان‌گونه که در نمونه‌های بالاتر دیدیم، فهم و ترجمه معنای واژه‌های غیرساده روسی همیشه به این روش امکان‌پذیر نیست.

ترجمه اصطلاحات تخصصی دارای ساختار واژه‌های غیرساده

ضرورت مفهوم بودن واژه ترجمه‌شده در هر متن از نکاتی است که نیازی به اثبات ندارد؛ اما این ضرورت در ترجمه اصطلاحات تخصصی اهمیتی دوچندان می‌یابد، زیرا شفافیت معنایی در این‌گونه اصطلاحات خود کمک شایانی به فهم بهتر و ژرف‌تر آن رشته تخصصی به‌شمار می‌رود^{۱۱}. پای فشردن بر شناسایی اجزای درون ساخت یک اصطلاح تخصصی و اصرار بر ترجمه آن اجزاء، بدون توجه به مصداق آن اصطلاح، بی‌شک راه گفت‌وگوی علمی و نیز آموزش را دشوار و پرسنگلاخ می‌سازد. با این حال دیده می‌شود که گاهی در ترجمه اصطلاحات دستور زبان روسی و یا اصطلاحات زبان‌شناسی این زبان رجوع به اجزای اصطلاح، ترجمه و سپس جمع‌زدن معنای تک‌تک آن اجزاء، تنها راه ترجمه اصطلاح معرفی می‌شود. در زیر چند نمونه از اصطلاحاتی که ترجمه تکواژشناختی آن‌ها به نتیجه‌ای کاملاً گمراه‌کننده می‌انجامد، نشان داده می‌شود.

- اصطلاح (де-этим-о- деэтимологизация (лог-из-аци-я) LOG-IZ-ACI-YA) با توجه به وجود پیشوند -де- در آن که معمولاً در زبان فارسی برابر «-زدایی» است یا معنای متضاد اسم پس از خود را می‌رساند^{۱۲}، با روش تکواژشناختی باید به «ریشه-شناسی زدایی» ترجمه شود؛ اما با مراجعه به فرهنگ‌های تخصصی، همچون فرهنگ

اصطلاحات زبان‌شناسی (آخمانووا، ۱۹۶۶) به معنای «تیرگی معناشناختی» برای آن می‌رسیم (آخمانووا، ۱۹۶۶: ذیل مدخل)؛

- اصطلاح (не-правиль-н- неправильный (не-правиль-н- неправильный) БИЙ) با توجه به وجود پیشوند نفی -не- در آن قاعداً باید به «نادرست» ترجمه شود، اما در دستور و زبان‌شناسی به معنای «بی‌قاعده» است (آخمانووا، ۱۹۶۶: ذیل مدخل)؛

- اصطلاح (от-тен-ок) ОТТЕНОК با توجه به ریشه -тен- و پیشوند -от- ظاهراً باید به واژه‌ای مانند «سایه‌روشن» ترجمه شود، اما مفهوم آن «معنای ضمنی» است (آخمانووا، ۱۹۶۶: ذیل مدخل؛ دیبرووا، ۲۰۰۱: ۲۰۳)؛

- اصطلاح (почв-енн- почвенничество) (почв-енн- почвенничество) (РИК(Ч)-ЕСТВ-О) را اگر بخواهیم با توجه به وجود ریشه -почв- در آن که معنای «بستر» و «زمینه» می‌دهد و نیز با جمع زدن معنای وندهای سازنده آن ترجمه کنیم، به هیچ نتیجه‌ای نخواهیم رسید. این اصطلاح نام مکتبی ادبی در روسیه سده‌ی ۱۹ است که پیروان آن معتقد به بازگشت به ریشه‌های فرهنگ روسی بوده‌اند^{۱۳} و از این رو می‌توان آن را را به «ریشه‌گرایی»، «اصل‌گرایی» و مانند آن‌ها ترجمه کرد.

- اصطلاح (толк-ов-ый) ТОЛКОВЫЙ (تفسیری) در فرهنگ‌نویسی روسی برای اشاره به فرهنگ‌های یک‌زبانه به کار می‌رود (نک، به عنوان نمونه: لکانت، ۲۰۰۱: ۷۳؛ روزنتال، گولوب، تلنکووا، ۲۰۰۵: ۱۲۸؛ کاساتکین، ۲۰۰۵: ۲۵۰؛ والگینا، روزنتال، فامینا، ۲۰۰۶: ۶۱). منظور از این اصطلاح نشان‌دادن این نکته است که فرهنگ موردنظر، برخلاف فرهنگ‌های دوزبانه، معادل یا برابر برای واژه‌ها ارائه نکرده، بلکه واژه‌ها را «تفسیر» می‌کند. اما بسیاری بدون توجه به این نکته و تنها به دلیل وجود ریشه

^{۱۲} واژه‌هایی مانند декомпозиция = تجزیه، демилитаризация = غیرنظامی کردن، از این دست‌اند.
^{۱۳} نک. وبگاه دانشنامه‌ی مختصر ادبیات: <http://feb-web.ru/feb/kle/kle-abc/default.asp>

^{۱۱} نک. برای نمونه (تسیکوف، ۲۰۱۵) که در آن مثال‌های گویایی برای نشان دادن لزوم ترجمه ارتباطی اصطلاحات تخصصی در میان زبان‌های روسی از یک‌سو و انگلیسی و آلمانی از سوی دیگر، آورده شده است.

толк- در این واژه که به معنای تفسیر و تشریح است، با نوعی گرده برداری ناموجه که تیرگی را نیز هست، ترکیب **толковый словарь** را به جای آن که به «فرهنگ یک‌زبان» ترجمه کنند، آن را «فرهنگ تفسیری» یا «فرهنگ تشریحی» ترجمه می‌کنند که در فارسی، به‌ویژه در گستره فرهنگ-نویسی، بسیار غریب و نامعمول و نامفهوم است.

ترجمه‌های تکواژشناختی پذیرفتنی

هرچند توجه و دقت در ترجمه واژه‌های غیرساده‌ی روسی بسیار ضروری است، اما این نیز باید گفته شود که هنگام ترجمه این واژه‌ها نباید حتماً به دنبال ترجمه‌ای کاملاً متفاوت با ترجمه‌ی تکواژشناختی باشیم؛ در زبان روسی واژه‌های غیرساده‌ای نیز هستند که میان آن‌ها و برابرهای ارتباطیشان در زبان فارسی به‌روشنی رابطه‌ی تناظر اجزاء (**изоморфизм**) برقرار است، بدین معنی که با ترجمه یک‌یک تکواژهای این واژه‌ها و جمع زدن معنای آن‌ها اتفاقاً برابر مناسبی در زبان فارسی به‌دست می‌آید. در زیر برخی از این دست واژه‌های غیرساده‌ی روسی نشان داده می‌شوند^{۱۴}:

бимар روانی = **душевнобольной**

евн- о- больн- (ریشه واژه: روح، روان) **душ-** (ریشه واژه: بیماری) **-ой**

دگراندیش = **инакомыслящий**

(ریشه واژه: **о- мысл-** (ریشه واژه: دیگر) **-иак-** (ریشه واژه: اندیشه) **-ящ -ый**)

پرتاب سنگ = **камнеметание**

(ریشه واژه: افکندن، **е- мет-** (ریشه واژه: سنگ) **-камн-** (ریشه واژه: پرتاب کردن) **-а- ний- е**)

حمل‌کننده = **носитель**

-и- тель (ریشه واژه: حمل کردن) **-нос**

توان دفاعی = **обороноспособность**

(ریشه واژه: **-о- способн-** (ریشه واژه: دفاع) **-оборон-** (ریشه واژه: توان، توانایی) **-ость**)

بخارپز = **пароварка**

к - (ریشه واژه: پختن) **-вар- о-** (ریشه واژه: بخار) **-пар- а)**

بخارساز = **парогенератор**

(ریشه واژه: ایجاد، **о- генер-** (ریشه واژه: بخار) **-пар** (ریشه واژه: ساختن) **атор**)

پایه به **переговор-** مذاکره‌کننده = **переговорщик** (ریشه واژه: مذاکره) **щик** (معنای مذاکره)

ترانه‌خوانی = **песнопение**

(پایه واژه: آواز **о- пение** (پایه واژه: ترانه) **-песн-** (خواندن) **ение**)

حامل انرژی = **энергоноситель**

(ریشه واژه: حمل **о- нос-** (ریشه واژه: «انرژی») **-энерг** (بردن) **-и- тель**)

همان‌گونه که دیده می‌شود، واژه‌های روسی بالا هم از واژه‌های غیرساده مشتق‌اند (دارای تنها یک‌ریشه) و هم مرکب (دارای بیش از یک‌ریشه). از واژه‌های مرکب ترکیبی در زبان روسی که معادل آن دقیقاً با همان ساخت چند سالی است در زبان فارسی به‌کار می‌رود، واژه «خانه- موزه» است که می‌تواند ترجمه تکواژبه‌تکواژ واژه روسی **дом-музей** باشد.

نتیجه

برپایه آنچه در بالا آمد، روشن می‌شود که با وجود لزوم دقت در تکواژهای سازنده واژه‌های غیرساده روسی، بسنده کردن به همین مرحله و نادیده گرفتن معنای ارتباطی این‌گونه واژه‌ها به‌تیرگی معنایی ترجمه‌ها می‌انجامد. این نکته به‌ویژه در ترجمه اصطلاحات تخصصی که ابزار گفت‌وگوی علمی و نیز آموزش رشته‌های گوناگونند، اهمیتی دوچندان می‌یابد. از این رو، پیشنهاد کاربردی مقاله آن است که در ترجمه واژه‌های غیرساده روسی، پس از تقطیع تکواژی و تعیین تکواژهای سازنده واژه و یافتن معنا و نقش هر یک از آن‌ها، به‌این نیز پرداخته شود که آیا جمع معنایی تک‌واژه‌های به‌دست‌آمده معنای ارتباطی واژه را نشان می‌دهند یا نه. در صورت منفی بودن پاسخ، باید بدون واهمه از دور شدن از معنای واژگانی، معنای ارتباطی واژه اختیار شود. به‌منظور یافتن معنای ارتباطی نیز، همان‌گونه که در متن مقاله اشاره شد، برای اشیاء نیز می‌توان از منابع دارای تصویر(و پیش از

از این رو از بیان نقش و معنای تکواژهای دیگر غیر از ریشه‌ها/ پایه‌ها خودداری شده است.

^{۱۴} در اینجا اشاره به معنای ریشه‌ها یا پایه‌های به‌کار رفته در واژه‌های بالا برای نشان دادن امکان ترجمه تکواژشناختی در آن‌ها کافی به‌نظر رسید.

همه از اینترنت) کمک گرفت و برای واژه‌هایی که بر پدیده- فرهنگ‌های معتبر یک‌زبانۀ روسی مراجعه کرد. های غیرمادی دلالت می‌کنند، به‌تعریف‌های (дефиниция)

جدول شماره ۲: فهرست کوتاه واژه‌های غیرساده روسی با ترجمه‌های تکواژشناختی و ارتباطی آن‌ها (به‌ترتیب حروف الفبا) به‌منظور نشان دادن تفاوت فاحش میان ترجمه تکواژشناختی و ترجمه ارتباطی

| واژه | تقطیع تکواژی | ترجمه‌ی تکواژشناختی | ترجمه‌ی ارتباطی |
|----------------------|-------------------------|---|---|
| авиарежим | авиа-режим | رژیم هوایی | حالت پرواز (در گوشی‌های همراه) |
| белоручка | бел-о-руч-к-а | سپیددست | (فرد) گریزان از کار سنگین |
| близорукость | близ-о-рук-ость | نزدیک‌دستی | کوتاه‌بینی |
| бортинженер | борт-инженер | مهندس سالن (борт) در روسی به عرشه کشتی و داخل سالن هواپیما گفته می‌شود) | مهندس پرواز |
| Внештатный | вне-штат-н-ый | برون‌ستادی، خارج از ستاد | (کارمند) غیر رسمی |
| водораздел | вод-о-раз-дел | تقسیم آب | آب‌پخش‌شان، خط‌الرأس |
| гидросамолёт | гидр-о-сам-о-лёт | هواپیمای آبی | هواپیمای آب‌نشین |
| двупланный | дв-у-план-ов-ый | دوطرحی | دولایه |
| дерегулирование | де-регул-ир-ова-ни-е | نظم‌زدایی | آزادسازی (بازار، قیمت‌ها) |
| домохозяйство | дом-о-хозяй-ств-о | اقتصاد خانه | خانوار (واحد در بررسی‌های اقتصادی) |
| изюминка | изюм-инк-а | کشمشک (صورت نوازشی - کوچک‌ساز از «کشمش») | مزه، لطف |
| индексация | индекс-аци-я | نمایه‌سازی؛ ایجاد شاخص (فقط) | (افزون بر دو معنی ستون قبلی): ترمیم دستمزدها |
| кровоподтёк | кров-о-под-тёк | جریان زیرین خون | خون‌مردگی (ناشی از آسیب یا ضربه) |
| кровотечение | кров-о-теч-ен-я | جریان خون | خون‌ریزی |
| левоцентризм | лев-о-центр-изм | چپ‌مرکزگرایی | چپ میانه |
| мастер-ключ | мастер-ключ | استادکلید | شاه‌کلید |
| молодожён | молод-о-жён | زن‌جوان، همسر جوان | تازه‌داماد |
| моногород | моно-город | تک‌شهر | شهر وابسته به یک صنعت/ یک محصول |
| наручники | на-руч-ник-и | روی دست | دستبند (پلیس) |
| нахлебник | на-хлеб-ник | روی نان | نان‌خور، سربار |
| облёт | об-лёт | با پرواز چیزی را دور زدن | پرواز شناسایی |
| оборонщик | оборон-щик | مدافع | کارگر/کارمند صنایع دفاعی |
| отжим | от-жим | از فشار/ فشردن | خشک‌کن (در ماشین رخت-شویی) |
| пепельница | пепель-ниц-а | جای خاکستر | زیرسیگاری |
| пистолет-распылитель | пистолет-рас-пыл-и-тель | پیستوله پخش‌کننده | سرشیلنگ فشاری |
| подзащитный | под-защит-н-ый | تحت دفاع | موکل |

| | | | |
|----------------------------------|---|----------------------|----------------------------|
| حس درونی | حس زیرین | под-созна-ниј-е | подсознание |
| مبتدل، پیش یافتاده | نزدیک به زمین؛ فرود آمده | при-земл-ённ-ый | приземлённый |
| مؤمن، کلیسارو | ساکن حوزه یک کلیسا | при-хож-ан-ин | прихожанин |
| زنبوردار | زنبور عسل دار | пчел-о-вод | пчеловод |
| کارگر ساده | کارگر چندکاره/همه کاره | разн-о-рабоч-ий | разнорабочий |
| دست ساز | دست کار | сам-о-дель-н-ый | самодельный |
| حال و روز | احساس خود، احساس فردی | сам-о-ощущ-ениј-е | самоощущение |
| پیچ خودکار | خودبُر | сам-о-рез | саморез |
| درون نگری | خود ژرفایی | сам-о-у-глубл-ениј-е | самоуглубление |
| به موقع بودن | خود زمانی | сво-е-врем-ен-н-ость | своевременность |
| پوشه منگنه دار | زوددوز، تنددوز | скор-о-с-ши-ва-тель | скоросшиватель |
| الماس شیشه بَری (بزار) | شیشه بُر (که در فارسی به فرد اطلاق می شود) | стекл-о-рез | стеклорез |
| رخت آویز | خشک کن | суш-и-л-к-а | сушилка (для белья) |
| قالب کفش | خشک کن | суш-и-л-к-а | сушилка (для обуви) |
| جاظرفی، جاظرفی بالا یا کنار سینک | خشک کن | суш-и-л-к-а | сушилка (для посуды) |
| سه راهی برق | دراز کننده، طولانی کننده | у-длин-и-тель | удлинитель (электрический) |
| کباب پز | جاکبابی (به قیاس با جامدادی = карандашница) | шашлыч-ниц-а | шашлычница |
| پنچرگیری، آپاراتی | مونتاز/ پیاده کردن چرخ/ لاستیک | шин-о-мон-таж | Шиномонтаж |
| (شخص) دارای حس ششم | حس افزوده؛ فراحس | экстра-сенс | экстрасенс |

منابع

Акишина А.А., Каган О.Е. (2005). Учимся учить. Для преподавателя русского языка как иностранного. М.: Русский язык. Курсы.

Алексеева И.С. (2012). Введение в переводоведение. СПб.: Филологический факультет СПбГУ; М.: Академия.

Ахманова О.С. (1966). Словарь лингвистических терминов. М.: Советская энциклопедия.

Бархударов Л. (1969). «Уровни языковой иерархии и перевод». Тетради переводчика. № 6. с. 3-12.

Белошапкова В.А. (1989). Современный русский язык. Под ред. В.А. Белошапковой. М.: Высшая школа.

Валгина Н.С., Розенталь Д.Э., Фомина М.И. (2006). Современный русский язык. под ред. Н.С. Валгиной. М.: Логос.

Диброва Е.И. (2001). Современный русский язык. Теория. Анализ языковых единиц. Под ред. Е.И. Дибровой. Ч. I. М.: Академия.

Касаткин Л.Л. (2005). Русский язык. Под ред. Л.Л. Касаткина. М.: Академия.

- Комиссаров В.Н. (2002). Современное переводоведение. Учебное пособие. М.: ЭТС.
- Кочнева, Е.М., Морковкин В.В. (2003). «Обучение лексическим средствам общения». Практическая методика обучения русскому языку как иностранному. М.: Русский язык. с. 31-46.
- Лекант П.А. (2001). Современный русский литературный язык. М.: Высшая школа.
- Лекант П.А. (2007). Современный русский язык. Под ред. П.А. Леканта. М.: Дрофа.
- Лысакова И.П. (2004). Русский язык как иностранный. Методика обучения русскому языку. Под ред. И.П. Лысаковой. М.: Владос.
- Нелюбин Л.Л. (2003). Толковый переводческий словарь. М.: Флинта; Наука.
- Пулькина И.М., Захава-Некрасова Е.Б. (1968). Учебник русского языка для студентов-иностранцев. М.: Высшая школа.
- Рецкер Я.И. (2010). Теория перевода и переводческая практика. Очерки лингвистической теории перевода. М.: «Р. Валент».
- Розенталь Д.Э., Голуб И.Б., Теленкова М.А. (2005). Современный русский язык. М.: Айрис пресс.
- Розенталь Д.Э., Теленкова М.А. (1976). Словарь-справочник лингвистических терминов. М.: Просвещение.
- Рудакова А.В., Стернин И.А. (2017). «О понятии коммуникативного значения слова». Коммуникативные исследования. № 1 (11), с. 36-48.
- Тихонов А.И. (1985). Словообразовательный словарь русского языка: в 2-х т. М.: Русский язык.
- Тихонов А. Н. (1996). *Морфемно-орфографический словарь*. М.: Школа-Пресс.
- Тихонов А.И. (2014). Новый словообразовательный словарь русского языка для тех, кто хочет быть грамотным. М.: АСТ.
- Цепков И.В. (2015). Лингвокультурологические и прагматические факторы перевода терминов-реалий. Диссертация на соискание учёной степени кандидата филологических наук. Под рук. М.Я. Цивиллинга. Москва: МГЛУ.
- Шведова Н.Ю., Лопатин В.В. (1990). Русская грамматика. М.: Русский язык.
- Якобсон Р. (1978). «О лингвистических аспектах перевода». Вопросы теории перевода в зарубежной лингвистике. Отв. ред. В.Н. Комиссаров. М.: Международные отношения. с. 16-24.
- روبینچیک، یوری آرونوویچ (۱۹۸۵). *فرهنگ فارسی بروسی*. در دو جلد. حاوی بیش از ۶۰۰۰۰ کلمه. بتصحیح و اهتمام یوری روبینچیک. مسکو: زبان روسی.
- روبینچیک، یوری آرونوویچ (۱۳۹۷). *فرهنگ‌نویسی برای زبان فارسی*. ترجمه‌ی محسن شجاعی. با یادداشت‌های علی‌اشرف صادقی. تهران: کتاب بهار.
- منصوری، مهرداد (۱۳۸۶). «معادل‌یابی واژگانی در ترجمه از منظر نشانه‌شناسی». *مطالعات ترجمه*. سال پنجم، ش. ۱۷. ص. ۴۷-۵۷.
- واسکانیان، گ. آ. (۱۹۸۶). *فرهنگ روسی بفارسی*. شامل حدود ۳۰۰۰۰ کلمه. مسکو: زبان روسی.
- واسکانیان، گرانت آوانسوویچ (۱۳۹۱). *فرهنگ روسی به فارسی*. ویراستار و دستیار محسن شجاعی. تهران: فرهنگ معاصر.

ولی‌پور، علی‌رضا؛ شریفی، شلیرا ابراهیم (۱۳۹۸). «بررسی تداخل زبانی

— فرهنگی در کاربرد پایدارهای مقایسه‌ای». *پژوهش‌های زبان-*

شناختی در زبان‌های خارجی. دوره ۹، شماره ۱. ص. ۲۵۵-

۲۶۷.

ولی‌پور، واله (۱۳۸۲). «بررسی نظریات معادل‌یابی در ترجمه». *متن-*

پژوهی ادبی. دوره ۷، شماره ۱۸، ص. ۶۲-۷۳.